

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	فردوسی برون مرز
۲۷	زندگی و آثار مستمندترین شوالیه
۵۹	اقبال و شرق از خود رمیده
۷۹	اقبال و غرب اندیشی
۹۳	درون مایه فلسفه اقبال
۱۰۱	حیات منفرد من آدمی
۱۰۹	تعلیم و تربیت از دیدگاه اقبال
۱۲۷	بازسازی اندیشه دینی از نگاه اقبال
۱۴۳	مولوی، حافظ و اقبال
۱۵۳	دیدگاه‌های عرفانی اقبال
۱۷۱	مولوی، نیچه و اقبال
۱۹۷	اقبال و مشکل اساسی نیچه
۲۰۳	اقبال و جمال‌الدین اسدآبادی
۲۲۳	شعر از نگاه اقبال
۲۵۹	نمایه‌ی نام‌ها و موضوعات

پیشگفتار

زمانی که اقبال به جاودانگی پیوست، نام و نشان چندانی از وی در ایران نبود و جز افرادی محدود که تعدادشان از انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد، کسی نمی‌دانست فرزانه‌ای به نام محمد اقبال لاهوری با سرودن نه هزار بیت شعر حکیمانه فارسی، آتش فرو مرده زبان و ادب فارسی را که می‌رفت در شبه‌قاره بدل به خاکستر شود بار دیگر شعله‌ور کرد. آوازه او در جهان، ابعاد مختلف دارد ولی در ایران بیشتر به واسطه شعرش شهرت یافته است. نخستین مقاله‌ای که در معرفی اقبال در ایران به چاپ رسید از محمدعلی داعی‌الاسلام بود با عنوان «اقبال و شعر فارسی» که بسیار مورد توجه اهل ادب قرار گرفت. پس از آن شادروانان سعید نفیسی و محمد محیط طباطبایی که با اقبال مکاتبه نیز داشته‌اند مقالاتی درباره وی نگاشتند. تاریخ نامه‌های اقبال به سعید نفیسی ۲۶ اوت و ۱۴ نوامبر ۱۹۳۲ است.

سروده‌های اقبال با معرفی و ستایش بزرگان ادب فارسی ذهن ایرانیان را به خود معطوف کرد که ذکر تفصیلی آن از حوصله این مقدمه بیرون است. آثار فارسی اقبال در مدتی اندک که شاید به بیش از سه دهه نمی‌رسد، یعنی از زمانی که نخستین مقالات درباره وی در مطبوعات ایران به نگارش درمی‌آید و نخستین مجالس سخنرانی برای معرفی آثارش تشکیل می‌شود، از چنان شهرت و محبوبیتی برخوردار می‌گردد که معروفیتی همسنگ بزرگ‌ترین شاعران زبان فارسی نظیر فردوسی، مولوی، حافظ و سعدی می‌یابد. امروز ممکن است در شهرهای دورافتاده کشور کسانی باشند که سنایی و جامی و فخرالدین عراقی را به رغم گذشت سده‌ها به‌درستی نشناسند و یا اصلاً نشناسند، ولی کمتر کسی است که پس از فقط چند دهه از حیات

وی، نداند که اقبال شاعر و اندیشمندی است از مردم پاکستان که نامش بوی ایران را می‌دهد.

چهره‌های مشخصی که این رایحه را در پیش از سال ۵۷ در کشور پراکندند و آثاری مستقل راجع به وی در قالب تألیف و یا ترجمه پدید آوردند، عبارتند از: شادروانان مجتبا مینوی، غلامرضا سعیدی، محمدتقی مقتدری، علی شریعتی، احمد آرام و امیرحسین آریانپور که هریک او را از منظری نگریستند. نخستین اثری که درباره اقبال، چهار سال پس از فوت وی در ایران به سال ۱۳۲۶ منتشر شد، کتابی است کم‌ورق از مرحوم محمدتقی مقتدری با عنوان «متفکر و شاعر اسلام». آثاری هم به‌طور اتفاقی در پیش از انقلاب درباره اقبال و آثار وی از برخی محققان و ادب‌دوستان انتشار یافت که درواقع نگاهی گذرا و معرفی‌گونه به شعر اقبال و شیوه تفکر او بوده است که پدیدآورندگانش داعیه اقبال‌شناسی هم نداشته‌اند، نظیر کتابی که آقای اسلامی ندوشن تحت عنوان «دیدن دگرآموز» گرد آورد، یا مقالاتی که از شادروانان علی‌محمد رجایی خراسانی و یا غلامحسین یوسفی به چاپ رسیده است. تمامی این تلاش‌های پراچ در پیش از انقلاب اسلامی، گرچه تحت عنوان «اقبال‌شناسی» جای می‌گیرد، ولی مبین ابعاد مختلف شخصیت اقبال نیست. آنچه در اقبال‌شناسی قبل از انقلاب کاملاً محسوس است، توجهی است که تنها به شعر او و تاحدی به فلسفه خودی می‌شود و محققان ایرانی چنان که باید گام در نهانخانه تفکر اقبال نمی‌گذارند. ترجمه‌هایی که در آن ایام از آثار اقبال صورت می‌گیرد بدون توجه به زمینه‌های ذهنی و شیوه تفکر اوست. کتاب *Reconstruction of Religious Thought in Islam* با عنوان «احیاء تفکر دینی در اسلام» ترجمه می‌شود، حال آن‌که مقصود اقبال از *reconstruction* بازسازی و بازفهمی است، نه revival. به همین نسبت در دیگر برداشت‌هایی که از آثار وی شده به‌دلیل عدم آشنایی کامل، خطاهای بزرگ راه یافته. از جمله نوع تلقی وی از مفهوم خدا، وطن، جامعه، جوانان، هنر، عرفان، شعر و بسیاری موضوعات دیگر که در آثار وی مطرح شده است.

بعد از انقلاب نگاه اندیشمندان و اقبال‌پژوهان ایرانی به آثار این فرزانه بسیار

دقیق‌تر و حساس‌تر شده است. در اسفندماه ۱۳۶۴ که کنگره جهانی بزرگداشت علامه اقبال در دانشگاه تهران برگزار شد، تأثیر عمیقی بر نسل حقیقت‌جویی گذاشت که طالب فهم صحیح مسایل اجتماعی، سیاسی و اخلاقی و دینی بودند که تحولی عظیم در جامعه‌شان پدید آورد. آثار اقبال و تجزیه و تحلیل آنها یکی از راه‌های پاسخ به این نیاز بود. در کنفرانس یادشده ابعاد گونه‌گون شخصیت اقبال مطرح شد و اهل فکر و مطالعه که تاکنون شنیده بودند او شاعری است اندیشمند که از شعر برای تبلیغ دیدگاه‌های اصیل و انسانی خود بهره می‌گیرد، دانستند که نه تنها حب وطن را نفی نمی‌کند، بلکه طالب سرزمینی به نام وطن است و پایه‌ریز کشوری مستقل. دانستند اندیشمندی است که جهان اسلام را متحد می‌خواهد، دریافتند که فیلسوفی است اهل زندگی و عمل و مروج پراگماتیسم؛ فرزانه‌ای که مولوی این زمانه است، دانستند که نه غربی است و نه شرقی، بلکه در هر دوی آنها خیر و شر می‌بیند. دانستند که عارفی است تکثرگرا که از انال‌الحق حلاج هم درمی‌گذرد، دانستند که توانایی نقد اکابر فلاسفه غرب را دارد و در مرتبه‌ای از اندیشمندی جای گرفته که می‌توان پذیرفت دستگاه فکری پدر فلسفه غرب و پیروانش را نقد کند، دانستند که برداشت‌هایش از دین سازگار با دنیای نوین است. به این ترتیب مطبوعات و دیگر رسانه‌ها نیز توجهی روزافزون به آثار اقبال نمودند و نویسندگان و اندیشمندان و محققان برجسته مقالات و تحقیقات متعدد در مورد آثار و افکار وی پدید آوردند.

حقیقت را اگر بخواهیم شیفتگی اقبال به عنوان فردی غیرایرانی به زبان فارسی و فرهنگ و تاریخ ایران بسیار غرورانگیز است. این اندیشمند پرآوازه را می‌توان در طریق عاشقان فرهنگ ایرانی، عاشق‌ترین عشاق نامید که بی‌گمان روح فردوسی بزرگ، سپاسگزار و ستایشگر این فرزانه کم‌نظیر است.

اقبال چهره‌ای است که در همان زمان حیاتش تقریباً آوازه‌ای جهانی داشت. زمانی که در اروپا می‌زیست به عنوان یک فیلسوف شناخته می‌شد. آثارش بی‌درنگ پس از انتشار مورد توجه مترجمان و شرق‌شناسان بزرگ غربی نظیر نیکلسون و آربری قرار گرفت و آنها را چندان عمیق یافتند که همانند آثار عرفانی و ادبی تراز اول

زبان فارسی به انگلیسی ترجمه نمودند. آثار وی به تدریج در سراسر جهان به‌ویژه در کشورهای اسلامی شناخته شد و خوانندگان فراوان یافت. در نزدیک به هشتاد سالی که از درگذشت وی می‌گذرد، افراد متعددی در بسیاری از نقاط جهان آراء وی را مورد تجزیه و تحلیل و بررسی تطبیقی قرار داده‌اند که حجم قابل ملاحظه‌ای را شامل می‌شود. تخمین می‌زنند که تا سال ۱۹۸۷ بالغ بر هژده هزار کتاب و رساله و مقاله درباره وی به رشته تحریر درآمده باشد.

در پایان لازم به ذکر است که در پاره‌ای موارد مشابهت‌های لفظی و محتوایی در برخی از فصل‌ها دیده می‌شود که با توجه به موضوع مورد بحث‌گریزی از تکرارشان نبوده است، زیرا شاهدهی بارز در اندیشه محوری اقبال می‌باشند. این نکته از آن رو ذکر شد که دانسته شود، مؤلف به این موضوع از پیش توجه داشته است. امید است این کتاب توانسته باشد ابعاد گسترده شخصیت فرزانه‌ای را که هر ایرانی روح خود را از منظری خاص با وی در پیوند می‌بیند در حد مقدور شرح کند.

م. ب. ماکان

پاییز ۹۴